

بخش دوم مقاله ایگور لنگاچف

حرکت به پیش بدون سوسیالیسم امکان ناپذیر است بهروزبکتاشی

با حمایت فعال پوتین درصد پرداخت یکسان مالیات بر درآمد برای پولداران و فقرا یکسان تصویب گردید. تصمیمی که در کمتر کشوری در جهان گرفته می شود. تلاش شد تا با تصویب چنین تصمیمی ما را متقاعد سازند،- گرچه هیچ کس باور نمی کرد درآمد پنهان از بین خواهد رفت- تا حدود زیادی به بودجه اضافه خواهد شده و همگان از آن بهره مند خواهند شد. اما کاملاً عکس این قضیه اتفاق افتاد. درآمد پنهان بنا به ارزیابی کارشناسان داخلی و خارجی شامل بیش از 40 درصد از حجم عمومی می باشد و کسری بودجه به میلیاردها روبل می رسد. کجاست آن تضمینی که تصمیم مبنی بر کاهش مالیات غیر مستقیم دچار چنین سرنوشتی نگردد؟ کاهش چشمگیر مالیات غیر مستقیم موجب افزایش محسوس سرمایه گذاری ها در صنایع و مدرنیزه شدن آن نمی شود. سرمایه داران از طریق قیمت های مونوپولی، با استنثار زحمتکشانشان، قیمت های بالای بی وقفه در حال رشد بر مواد خام سهم خود را می گیرند و سودهای افسانه ای را که هدف اصلی است را نصیب خود می کنند. از اینجا کسری مالیات ها به صدها میلیارد روبل می رسد. پدیده ای که موجب کاهش اختصاص سهمیه بودجه به احتیاجات اجتماعی است. در حلقه محدودیت های رشد اقتصادی نه تنها مالیاتها، بلکه یکسری دیگر از فاکتورها عمل می کنند. منجمله، توانائی پائین پرداخت بدهی جمعیت، دستمزد مسکینانه، کمبود حاد کارگر و متخصص ماهر، منابع انرژی و غیره.

آنچه به تجارت کوچک مربوط میشود، حزب کمونیست فدراتیو روسیه بطور دائم در جهت ایجاد شرایط مناسب برای رشد آن تلاش می کند. اما اگر چنین موضعی بمعنای بهبودی خدمت به جمعیت است، آنگاه برای رئیس جمهور رشد موسسات کوچک بمعنای پایگاه وسیع اجتماعی برای خود به شکل به اصطلاح طبقه متوسط است. حکومت بطور عملی بخش باقیمانده کارکنان صنایع را به تجارت کوچک، علیرغم آنکه در کشور کمبود حاد کارگران، مهندسان و تکنیسین ها وجود دارد، سوق می دهد. حکومت هیچ اقدامی برای بهبودی وضعیت مادی کارگران و متخصصان صنایع، آمادگی و ارتقاء تخصص آنان، اقتصاد کشاورزی و استقرار سیستم برسمیت شناخته شده شوروی در جهان بر نمی دارد. تنها در کارخانه موتور سازی هوایما و کارخانه راکت سازی کمبود 9 هزار مهندس و 26 هزار کارگر دیده می شود. از موتورها، الکترونیک، دستگاه سوخت، شاسی و حتی صندلی خارجی در هوایماهای ما استفاده میشود. سؤال میشود که در اینجا از کدامین استقلال کشور می توان سخن گفت.

بر همگان مشخص است که چه ضربه خردکننده ای به طبقه کارگر، در پروسه خصوصی سازی جنایت بار وارد آمده است. میلیونها کارگر و متخصص ماهر از موسسات تخریب شده خارج شدند و روزی خود را در جای دیگری جستجو کردند. هم اکنون طبقه کارگر احیاء می شود. کارکنان مهندس- تکنیکی به او ملحق میشوند. طبقه کارگر همچنان مانند سابق نیروی پیشرو در مبارزه برای حکومت خلقی و سوسیالیسم است. می خواهند تا حد زیادی طبقه کارگر را توسط مهاجرین و نیروی کار خارجی تعویض نمایند. این پروسه با شتاب زیادی جریان دارد.

اخیرا رئیس جمهور د. آ. مدودوف از شهر علمی دوبان دیدار نمود و مسائل علوم پایه و فراگیری این علوم را بررسی نمود. او اولین رئیس دولت بود که اعتراف کرد «ما فعلا توسط پتانسیل اتحاد شوروی سر پا هستیم». یا در نمونه دیگر پوری لوژکف (شهردار مسکو) گفت: هم اکنون زمان آن فرا رسیده است که به تجربه اتحاد شوروی در رابطه با برنامه ریزی رشد کشور توجه گردد.

در رابطه با اقدامات سیاست خارجی دو رئیس جمهور بایستی گفت که این اقدامات عبارتند از عقب نشینی و تسلیم مواضع روسیه. کشورهای مشترک المنافع در وضعیت فلج هستند و تشکیل دولت متحد بلاروس- روسیه منجمد شده است. ناتو نزدیک مرزهای روسیه است، بر فراز کشور تهدید تصاحب غنی ترین منابع طبیعی سیبری قرار دارد. بورژوازی کلان روسیه و آمریکا از نظر اقتصادی و سیاسی در ارتباط هم هستند و با یکدیگر به قیمت عقب نشینی روسیه کنار می آیند. بررسی و حل بسیاری از مسائل حاد اجتماعی: افزایش چشمگیر دستمزد، حقوق باز نشستگی، کمک هزینه ها، جلوگیری از رشد قیمت ها بر اجناس، خدمات، مسکن و کمک پزشکی به بعد موکول می شوند.

تمامی 16 سال احیاء کاپیتالیسم بعد از فروپاشی اتحاد شوروی این نکته را تأیید میکند که برای خروج روسیه از وضعیت تنگدستی، رکود، دستیابی به مقام شایسته و سزاوار در جهان و تامین نیاز های ضروری افراد لازم است که مسیر دیگری را که توسط و. ای. لنین خاطر نشان شده است «حرکت به پیش بدون حرکت بسوی سوسیالیسم امکانپذیر نیست»، اتخاذ گردد.

راه توده 176 12.05.2008